

فهرست

احزاب و گروه های سیاسی

اکتبریسیت- وجه تسمیه ی این حزب پشتیبانی اش از بیانیه ی سلطنتی اکتبر ۱۹۰۵ بود. به موجب بیانیه ی مذکور دوما ی دولتی- سلطنت طلب و امپریالیست- برای نخستین بار تشکیل شد. حزب بازرگانی بزرگ، بورژوازی صنعتی و زمین دار، به رهبری گوجکوف، از سرمایه دارهای مسکو.

آنارشیسیت - افرادی که تصور می کردند با الغاء دولت سیاسی به طور عام، می توان نظام مشترک المنافع تعاونی را برقرار کرد.

ارتجاع- مذهبیبون، تزاریسیت ها، و اشراف زمین داری که با پیشرفت دموکراتیک، حتی از نوع کادتی اش، مخالف بودند.

بلشویک- حزب مارکسیستی انقلابی که معتقد بود طبقه ی کارگر باید با دهقان های فقیر متحد شود، و در مبارزه با جامعه ی بورژوا، نه فقط برای برانداختن تزاریسیم بلکه نیز برای ایجاد جمهوری کارگری و دولت سوسیالیستی، پیش قدم باشد.

بلوک مترقی- اتحاد اکثریت نمایندگان دوما در خلال جنگ، خواهان یک حکومت قدرتمند.

ترودویک- حزبی مرکب از روشن فکرهای محتاط نارودنیک که از دهقنان در برابر ملاک ها دفاع می کرد، اما جرئت نداشت از کادت ها چپ تر برود- کرنسکی در خلال نمایندگی اش در دوما، به این حزب تعلق داشت.

دفاع طلبان- کسانی که معتقد به ادامه ی جنگ به عنوان جنگ در دفاع از سرزمین آباء و اجدادی بودند.

دکابریست ها- شرکت کنندگان در قیام ناموفق افسرها بر علیه تزار آلکساندر اول در دسامبر (دکابر) ۱۸۲۵.

زیمروالیدیست- سوسیالیست های وفادار به اصل جهان وطنی (انترناسیونالیسم) در خلال جنگ- وجه تسمیه اش آن که کنگره ی سوسیالیست های انترناسیونال در سال ۱۹۱۵ در زیمروالد، (واقع در سوئیس) برگزار شد.

سازشکاران- اسم عام برای رهبران حزب های منشویک و سوسیال رولوسیونر در شورا، که علی رغم اصول سوسیالیستی خود، در خصوص مسائل اساسی با کادت ها سازش کردند، و قدرت را داوطلبانه به کادت ها دادند.

سوسیال دموکرات- حزبی مبتنی بر نظریات کارل مارکس که در بیست سال آخر قرن نوزدهم به وسیله ی پلخانف به روسی ترجمه شده بودند. سوسیال دموکرات ها چشم به راه تکامل سرمایه داری صنعتی و پیدایش طبقه ی کارگر برای برانداختن تزاریسیم و تبدیل روسیه به یک دولت سوسیالیستی بودند. این حزب در سال ۱۹۰۳ به منشویک (اقلیت) و بلشویک (اکثریت) تقسیم شد.

سوسیال رولوسیونر- حزب دهقانی سوسیالیستی، در آغاز قرن بیستم با در آمیختن گرایش های مختلف نارودنیکگی تشکیل شد. این حزب که از منافع نوساتی زمین دارهای خرده پا دفاع می کرد، به زودی به دو گروه چپ و راست تقسیم شد،

سوسیال رولوسیونرهای چپ تمایلات آنارشیستی داشتند اما مدتی در حکومت بلشویک ها مشارکت جستند، سوسیال رولوسیونرهای راست از کرنسکی حمایت کردند.

صدسیاه- نامی که مردم بر "اتحادیه ی خلق روس" گذاشته بودند- اتحادیه ای مرکب از ارتجاعی ترین سلطنت طلب ها و ناسیونالیست هانی که بر علیه انقلابیون روش های تروویستی به کار می بردند، و سازمان دهندگان عمده ی قتل عام های یهودیان و اقلیت های قومی و مذهبی بودند.

کادت- عنوان رایجی برای دموکرات های مشروطه خواه- متعاقباً "حزب آزادی خلق" خوانده شد- حزب لیبرال بزرگی که از سلطنت مشروطه، و غایتاً از جمهوری، دفاع می کرد. حزب ملاک های تجددطلب، بورژوازی میانه و روشن فکرهای بورژوا، به رهبری میلی یوکوف، استاد تاریخ.

ماکسیمالیست- گرایش افراطی که در انقلاب ۱۹۰۵ از سوسیال رولوسیونرها منشعب شد.

منشویک- حزب سوسیالیست میانه رو که مدعی پیروی از کارل مارکس بود اما عقیده داشت که طبقه ی کارگر برای برانداختن تزاریسیم و استقرار جمهوری دموکراتیک باید با بورژوازی لیبرال متحد شود.

منشویک انترناسیونالیست- گروهی از منشویک های چپ به رهبری مارتوف که با روزنامه ی رادیکال و سوسیالیستی ماکسیم گورکی موسوم به *نوی ژیزن*، پیوند نزدیکی داشتند. روزنامه ی مذکور در بسیاری از شماره هایش لحن دوستانه ای نسبت به بلشویک ها داشت.

میهن پرست های سوسیالیست- سوسیالیست هانی که اصل انترناسیونالیسم و سایر اصول انقلابی را به نفع میهن پرستی در زمان جنگ کنار گذاشتند.

نارودنیک- اسم عام برای انقلابیونی که آرمان های سوسیالیستی داشتند، اما چون نظریات مارکس را یا نمی شناختند و یا قبول نمی کردند، به جای طبقه ی کارگر دهقانان را مأمور به برانداختن تزاریسیم و دگرگون کردن روسیه می دانستند. این نام (از نارود به معنای مردم) هم شامل تروریست هائی می شد که امیدوار بودند از طریق "تبلیغات عملی" تزاریسیم را براندازند و دهقان ها را برانگیزند، و هم سوسیالیست های مذهبی و نرم خویی را در بر می گرفت که امیدوار بودند با "رفتن به میان مردم" بتوانند روسیه را دگرگون کنند.

پایان جلد اول

بازنویس: یاشار آذری